

مدیریت ورزشی \_ خرداد و تیر ۱۳۹۴  
دوره ۷، شماره ۲، ص: ۲۰۷-۲۱۹  
تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۰۲  
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۶/۱۶

## بررسی میزان خوداستنادی استادان تربیت بدنی در نشریه‌های «المپیک» و «حرکت» طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸

مسلم شریفی<sup>۱\*</sup> - شادمهر میردار هریجانی<sup>۲</sup> - ایمان قنبری<sup>۳</sup> - امیر تقی پور اسرمی<sup>۴</sup>  
۱. دانشجوی دکتری تربیت بدنی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، ۲. دانشیار گروه فیزیولوژی ورزشی،  
دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ۳. دانشجوی دکتری تربیت بدنی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، ۴.  
دانشجوی دکتری تربیت بدنی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی میزان خوداستنادی استادان تربیت بدنی در نشریه‌های «المپیک» و «حرکت» طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ بود. بر این اساس، تعداد و میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی، نسبت نویسندگان خوداستنادگر به کل نویسندگان، تعداد خوداستنادی و میزان آن، توزیع خوداستنادی به ترتیب سال انتشار و نسبت خوداستنادی به تفکیک نوع مدرک در دو نشریه «المپیک» و «حرکت» بررسی شد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد، میزان مقاله‌های خوداستنادی برای دو نشریه «حرکت» و «المپیک» به ترتیب ۲/۲۴ و ۷/۳۱ درصد است. میانگین خوداستنادی هر مقاله به ترتیب برای این دو نشریه ۳۶/۰ و ۴۸/۰ درصد است. در هر دو نشریه میزان خوداستنادی از رشد صعودی یا نزولی منظمی طی این سال‌ها برخوردار نبوده است. در هر دو نشریه بالاترین درصد مدرک مورد استفاده در خوداستنادی‌های نویسندگان نشریات چاپ‌شده قبلی است. امروزه کمیته‌های ترفیع دانشگاهی به منظور ارزیابی بازدهی اعضای هیأت علمی خود و شایستگی علمی کار آنها از شمارش تعداد استنادها و تعیین ضریب تأثیرگذاری نشریات استفاده می‌کنند، بنابراین پرداختن به این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

### واژه‌های کلیدی

استناد، خوداستنادی، نشریه المپیک، نشریه حرکت، هیأت علمی.

## مقدمه

نشریات بستری برای ارائه مقاله‌هایی هستند که به سبب ویژگی‌های خاص خود در میان سایر مدارک بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند (۲). مقاله‌های منتشرشده در نشریات تخصصی و فنی به سبب تازگی، کوتاه بودن مطالب، سرعت انتقال مطالب، ارزان‌تر بودن، تحلیل‌های بسیار دقیق از موضوع‌های پیچیده علمی و فنی، چاپ و توزیع سریع‌تر، دسترسی آسان‌تر، معرفی آخرین پژوهش‌ها، انتقادهای و بررسی‌های اهل فن و تنوع مطالب و شکل ارائه و گاه زبان و بیان سهل‌تر، به‌طور معمول برای پژوهشگران جذاب‌ترند و از نظر پژوهش نیز نسبت به کتاب‌های علمی کاربرد بیشتری دارند (۱). با توجه به نقش و اهمیت نشریات علمی در عرصه علم و دانش، لازم است به‌طور دقیق ارزیابی شوند و برای این منظور می‌توان از روش تحلیل استنادی برای ارزیابی آنها استفاده کرد.

در واقع استناد ترسیم نقشه جاده‌ای است که نویسنده آن را به‌وجود آورده و خواندگانش را وادار می‌کند تا آن مسیر را دنبال کنند و به سر منزل مقصود برسند. نمودار شدن یک مقاله در سیاهه مراجع یک سند، بازگوکننده این مطلب است که در ذهن نویسنده ارتباطی بین اثر وی و مقاله‌ای که به آن در فهرست مآخذ استناد کرده است وجود دارد. تجزیه و تحلیلی که در زمینه این ارتباط صورت می‌گیرد، مقوله‌ای به نام تحلیل استنادی را پدید می‌آورد (۴). تحلیل استنادی به‌علت التزام به عینی بودن، ثبات در تحلیل و نیز به سبب در دسترس بودن پایگاه‌هایی که اطلاعات استنادی را درباره انتشارات و مقاله‌ها فراهم می‌آورند ملاکی معتبر در ارزیابی پژوهش‌های اعضای هیأت علمی است (۲۷).

در انجام هر فعالیت علمی، نه تنها به‌شدت به آگاهی نسبت به فعالیت‌های مرتبط پیشین نیازمندیم، بلکه بدون کسب آگاهی در مورد تلاش‌های گذشته نمی‌توان در مسیر تحقیق پیشرفت کرد. برای دستیابی به دانش پیشینیان، بررسی منابع و مآخذ مورد استناد نوشته‌های علمی اهمیت خاصی دارد (۴). استناد نه تنها بیانگر میزان استفاده از مدارک و تأثیر آنهاست، بلکه معیاری بسیار مهم و اساسی برای سنجش میزان فعالیت و توسعه علمی و نیز عاملی بسیار با ارزش در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید و اشاعه اطلاعات است. موضوع خوداستنادی و کاربرد آن در مطالعات علم‌سنجی بیان می‌کند که خوداستنادی بیش از حد یک چالش اساسی در ارزیابی تولیدات علمی است، از طرفی خوداستنادی یکی از ساده‌ترین روش‌هایی است که برخی نویسندگان می‌توانند به‌طور تصنعی اعتبار خود را افزایش دهند. درحالی‌که خوداستنادی از نظر متخصصان علم‌سنجی امری پسندیده نیست، معدودی از نویسندگان داخلی آن را نشانه‌ای از ارتقای علمی کشور و داشتن خط تحقیقاتی نویسندگان می‌دانند (۵). گاهی

پژوهشگران در روند بهره‌گیری از متون پیشین در نگارش مقاله‌های جاری خود ناگزیرند از مقاله‌ها و دستاوردهای مکتوب پیشین خود استفاده کنند که به آن خوداستنادی<sup>۱</sup> گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، خوداستنادی زمانی به وجود می‌آید که فرد هم در مدرک استنادکننده و هم در مدرک استنادشونده، نویسنده محسوب می‌شود. بنابراین خوداستنادی، یک رفتار استنادی دور از انتظار در رفتار علمی پژوهشگران انگاشته نمی‌شود و از همین دلیل بخشی از استنادهای یک نشریه را تشکیل می‌دهد (۵). ویلی (۱۹۸۷)، تحلیل خوداستنادی را به عنوان روشی در پژوهش که در جهت شکل‌دهی به اندیشه‌های فلسفی و علمی یک نویسنده به کار می‌رود به حساب می‌آورد. او بر این باور است که تحلیل خوداستنادی می‌تواند نظم حقیقی اندیشه‌ها و مفاهیمی از نویسندگان را که در پشت متن نهاده شده است آشکار کند، که این، خود به کشف علمی خاص منجر می‌شود. در واقع خوداستنادی، سهم چشمگیری از استنادهای یک نشریه یا متن پژوهشی را به خود اختصاص می‌دهد (۲۴). مک رابرتز (۱۹۸۹) در این زمینه بیان می‌دارد که خوداستنادی به عنوان یک مسئله بالقوه، مدام مطرح خواهد بود، چراکه تقریباً ۱۰ تا ۲۰ درصد کل استنادها را به خود اختصاص می‌دهد (۲۲). امروزه کمیته‌های ترفیع دانشگاهی استفاده مشابهی از این داده‌ها (شمارش تعداد استنادها و تعیین ضریب تأثیرگذاری نشریات) برای ارزیابی بازدهی اعضای هیأت علمی خود و شایستگی علمی کار آنها به عمل می‌آورند (۱۳)؛ از طرفی اکسنس نیز بر این باور است که خوداستنادی تلاش پژوهشگران را بر جامعه علمی نشان نمی‌دهد و پیشنهاد می‌کند که در محاسبه ضریب تأثیر نشریه‌ها بهتر است خوداستنادی‌ها کنار گذاشته شوند (۱۰،۷). گلنزل و همکاران (۲۰۰۴) نیز خوداستنادی نویسندگان را در تعیین کیفیت نشریه‌های علمی به صورت جدی مشکل‌ساز دانسته‌اند (۱۸). از این رو در پژوهش حاضر سعی شده است با مطالعه و مقایسه رفتار خوداستنادی استادان تربیت بدنی در مقاله‌های تألیفی آنها در دو نشریه «حرکت» و «المپیک» رفتار خوداستنادی در مقاله‌های تألیفی این افراد طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ بررسی شود.

این پژوهش برای نیل به اهداف، درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

۱. تعداد و میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی هر نشریه چقدر است؟
۲. نسبت نویسندگان خوداستنادگر به کل نویسندگان مقاله‌های تألیفی در نشریه‌ها چگونه است؟
۳. تعداد خوداستنادی و میزان آن برای این دو نشریه چقدر است؟

۴. توزیع خوداستنادی در هر نشریه به ترتیب سال انتشار مقاله‌ها چگونه است؟

۵. نسبت خوداستنادی به تفکیک نوع مدارک در دو نشریه به چه صورت است؟

### روش تحقیق

در این مطالعه تمام استنادهای موجود در ۵۰۹ مقاله تألیفی دو نشریه «حرکت» و «المپیک» طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ که بالغ بر ۱۱۵۷۲ استناد البته به صورت تکراری بود، بررسی شد. از آنجا که هدف این پژوهش بررسی رفتار خوداستنادی استادان تربیت بدنی یا به عبارت دیگر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف در رشته تربیت بدنی در مقاله‌های تألیفی آنان است، بنابراین بهترین جامعه آماری ممکن نشریه‌های «حرکت» و «المپیک» به سبب دسترسی و سابقه چاپ است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. به این منظور با مراجعه به پایگاه جامع اطلاع‌رسانی نشریه‌های کشور، جهاد دانشگاهی (SID)<sup>۱</sup> و همچنین وب‌گاه پایگاه نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران<sup>۲</sup> مقاله‌های نمایه شده به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. البته مقالاتی که استادان تربیت بدنی در نگارش آن نقشی نداشتند، از نمونه آماری حذف شد.

### نتایج و یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش، ۲۷۶ مقاله تألیفی مربوط به نشریه «حرکت» و ۲۳۳ مقاله تألیفی مربوط به نشریه «المپیک» بررسی و مشاهده شد که در هر نشریه به ترتیب ۶۷ و ۷۴ مقاله دارای خوداستنادی بودند. بنابراین می‌توان گفت که میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی برای این دو نشریه به ترتیب ۲۴/۲ و ۳۱/۷ درصد است.

پاسخ به پرسش دوم نشان داد که شمار نویسندگان مقاله‌های تألیفی در «حرکت»، ۸۱۵ و برای «المپیک»، ۵۷۱ نویسنده است، که از میان این نویسندگان، تعداد نویسندگان خوداستنادگر برای این دو نشریه به ترتیب ۷۵ و ۸۵ نفر بودند. بنابراین میزان نویسندگان خوداستنادگر برای دو نشریه به ترتیب ۹/۲ و ۱۴/۸ درصد محاسبه شد.

1 . Scientific Information Database

2 . <http://journals.ut.ac.ir>

در پاسخ به پرسش سوم باید گفت که تعداد خوداستنادی و تعداد مقاله های تألیفی برای «حرکت»، ۱۰۲ و ۲۷۶ است، درحالی که تعداد خوداستنادی و تعداد مقاله های تألیفی برای «المپیک»، ۱۱۴ و ۲۳۳ است. از این رو میانگین خوداستنادی هر مقاله به ترتیب برای دو نشریه مزبور ۰/۳۶ و ۰/۴۸ درصد است (جدول ۱).

جدول ۱. داده های توصیفی «حرکت» و «المپیک»

شاخص	نشریه	حرکت	المپیک
تعداد مقاله های بررسی شده	۲۷۶	۲۳۳	
تعداد مقاله های دارای خوداستنادی	۶۷	۷۴	
میزان مقاله های خوداستنادی به درصد	۲۴/۲	۳۱/۷	
تعداد خوداستنادی	۱۰۲	۱۱۴	
متوسط خوداستنادی در هر مقاله	۰/۳۶	۰/۴۸	
تعداد نویسندگان مقاله های تألیفی	۸۱۵	۵۷۱	
تعداد نویسندگان خوداستنادگر	۷۵	۸۵	
میزان نویسندگان خوداستنادگر به درصد	۹/۲	۱۴/۸	

جدول ۲ که نتایج بررسی خوداستنادی نویسندگان این دو نشریه را بر حسب سال گزارش می کند، می تواند پاسخگوی پرسش ۴ پژوهش باشد. همان طور که این داده ها نشان می دهند، خوداستنادی در «حرکت» از رشد صعودی یا نزولی منظمی برخوردار نبوده است، به طوری که در سال ۱۳۸۸ کمترین و در سال ۱۳۸۳ بیشترین میزان را داشته است. این حرکت به گونه ای دیگر هم در «المپیک» قابل مشاهده است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۲ کمترین و در سال ۱۳۸۸ بیشترین خوداستنادی دیده می شود (شکل ۱).

جدول ۲. توزیع خوداستنادی بر حسب سال انتشار مقاله

نشریه	سال	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	جمع
حرکت	۹	۱۳	۹	۱۱	۸	۱۱	۶	۶۷	
المپیک	۶	۱۰	۱۲	۹	۱۵	۸	۱۴	۷۴	
جمع	۱۵	۲۳	۲۱	۲۰	۲۳	۱۹	۲۰	۱۴۱	

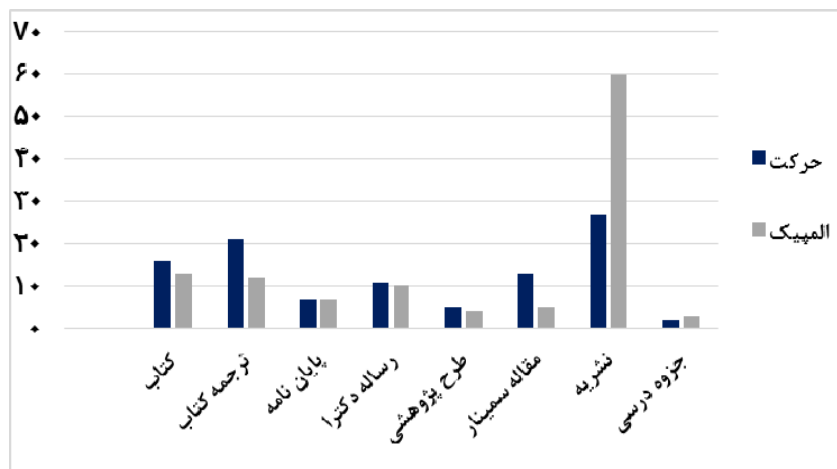


شکل ۱. توزیع خوداستنادی بر حسب سال انتشار

با توجه به جدول ۳ در پاسخ به پرسش به پنجم یعنی تعیین نسبت خوداستنادی در دو نشریه بر حسب نوع مدرک مورد استناد، این مدارک، به هشت گروه تقسیم شدند که براساس داده‌های مندرج در این جدول می‌توان گفت که در نشریه «حرکت»، نشریه با میزان  $26/5$  درصد بالاترین مدرک مورد استفاده در خوداستنادهای نویسندگان مقاله‌ها بوده است و بعد از آن ترجمه کتاب با  $20/6$  درصد و کتاب با  $15/65$  درصد، بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در نشریه «المپیک» نشریه با  $52/6$  درصد بیشترین مدرک استفاده شده است و بعد از آن به ترتیب، کتاب با  $11/4$  درصد و ترجمه کتاب  $10/5$  درصد بیشترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۲).

جدول ۳. توزیع خوداستنادی بر حسب نوع مدرک

نوع مدرک	حرکت		المپیک	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
کتاب	۱۶	$15/65$	۱۳	$11/4$
ترجمه کتاب	۲۱	$20/6$	۱۲	$10/5$
پایان‌نامه	۷	$6/8$	۷	$6/15$
رساله دکتری	۱۱	$10/8$	۱۰	$8/8$
طرح پژوهشی	۵	$4/9$	۴	$3/5$
مقاله سمینار	۱۳	$12/8$	۵	$4/4$
نشریه	۲۷	$26/5$	۶۰	$52/6$
جزوه درسی	۲	$1/95$	۳	$2/65$
مجموع	۱۰۲	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰



شکل ۲. خوداستنادی بر حسب مدرک

### بحث و نتیجه گیری

شاخص ها و آماره های کتابسنجی مراکز آموزش عالی که به منظور ارزیابی بهره‌وری اعضای هیأت علمی مورد استناد قرار می‌گیرد، برای استقرار شاخص‌ها و استانداردهای عادلانه کتابسنجی امری حیاتی و در عین حال مجادله‌آمیز است (۱۹). متخصصان علم‌سنجی دلایلی برای استناد نویسنده به آثار پیشین خود ذکر می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به افزایش مشاهده‌پذیری آثار پیشین نویسنده، پویا نگه داشتن اثر در چرخه استنادی، عرضه و نمایش آثار کم یا فاقد استناد، افزایش اعتبار بحث‌های و ارائه شواهد در زمینه روش‌های پیشین و افزایش استنادهای شخصی، اشاره کرد (۲۳). برخی مطالعات ارتباط بین شهرت دانشمندان و خوداستنادی بررسی شده‌اند. راهکارهای مورد نظر پژوهشگران برای کتابسنجی بهره‌گیری از ضریب تأثیر مجلات، شاخص هرش (h-index)، شاخص g (g-index) و روش ارتباطی پژوهشگر است. برخی پژوهشگران استناد نویسنده به خود را به‌طور بالقوه برای ارزیابی کتابسنجی مضر می‌دانند. در همین زمینه، شرایبر (۲۰۰۷) با کنایه می‌نویسد که استناد به خود به‌طور چشمگیری در شاخص هرش (h-index) و g (g-index) تغییر ایجاد می‌کند، در نتیجه، دستکاری شاخص‌های کتابسنجی یک نگرانی موجه است (۲۵). در مقابل فرومن و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که حذف خوداستنادی تأثیر ناچیزی بر شاخص هرش دارد (۱۹). برخی دیگر نیز معتقدند که ممکن است خوداستنادی حاصل خودنمایی یا مصداق خودستایی پژوهشگران باشد. برای نمونه،

نویسندگان ممکن است بی‌سبب و بدون دلیل و برای افزایش میزان استنادهایشان، یا برای بالا بردن نمایه و مشاهده‌پذیری آثارشان، به آثار پیشین خود استناد کنند (۲۴). در هر صورت در مجامع علمی خوداستنادی موافقان و مخالفانی دارد. برای نمونه گامی و همکاران بر این باورند که خوداستنادی نویسندگان در متون پزشکی، عملی ضروری است، زیرا به وسیله خوداستنادی، فرد یا گروهی از نویسندگان می‌توانند فرضیه پیشین خود را گسترش دهند یا به مطالعات و روش‌های انجام‌گرفته پیشین ارجاع دهند. در بعضی موارد نیز استناد به خویش اجتناب‌ناپذیر است و آن زمانی است که داده‌های منتشرشده در یک حوزه خاص منحصرأ مربوط به فرد یا گروه خاصی باشد (۱۶). همچنین موسوی ارجاع نویسندگان به آثار خود را نشان‌دهنده وجود سابقه و خط تحقیقاتی نویسندگان دانسته و خوداستنادی را شاهی از مراحل رشد دانسته است (۷). متخصصان کتاب‌سنجی نیز میزان مشخص و محدودی را برای خوداستنادی نویسندگان قابل قبول می‌دانند که این میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد از کل استنادها (بسته به رشته علمی و حوزه موضوعی)، است (۲۲). نتایج نشان می‌دهد که میزان مقاله‌های دارای خوداستنادی برای دو نشریه «حرکت» و «المپیک» به ترتیب ۲۴/۲ و ۳۱/۷ درصد است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش شهریاری و افقی (۱۳۸۶) که با هدف بررسی و مقایسه میزان خوداستنادی در دو نشریه علوم اطلاع‌رسانی و فصلنامه کتاب (۱۳۷۴-۱۳۸۳) انجام گرفت همسو نیست، از این نظر که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی در این دو نشریه به ترتیب ۲/۷ و ۲/۹ درصد است (۳). مردانی و نیک‌کار (۱۳۸۸) در پژوهشی میزان خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران را در دو نشریه «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش جغرافیایی» به ترتیب ۴۷/۴ و ۴۵/۲ درصد به‌دست آوردند، که میزان آن از نتایج پژوهش حاضر بیشتر است (۶). همچنین نتایج پژوهش گارفیلد (۱۹۶۳) و مک رابرتز (۱۹۸۹) مشابه نتایج پژوهش مردانی و نیک‌کار است و با نتایج پژوهش حاضر همخوانی ندارد (۲۲، ۱۷). از طرف دیگر، میساک و کواکیک (۲۰۰۴) با بررسی مجلات حوزه پزشکی مشاهده کردند که ۲۰ درصد تمام استنادها شامل خوداستنادی مؤلف است، که به نتایج پژوهش حاضر نزدیک است (۲۱). از سوی دیگر نتایج پژوهش تیو (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای ده‌ساله که براساس ۲۵۸ مقاله پژوهشی و کوتاه نوشت و ۴۱۷۷ استناد دریافتی مقاله‌ها در نشریه *Natural Rubber Research* طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ انجام داد، به این نکته دست یافت که میزان خوداستنادی نویسندگان در این جامعه آماری بالغ بر ۶۱/۴ درصد است که با نتایج این پژوهش همخوانی ندارد (۲۶). همچنین در پژوهشی دیگر اکسنس (۲۰۰۳) دریافت که میزان خوداستنادی در تولید علم کشور نروژ طی سال‌های



۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶، ۳۶ درصد از کل استنادها به خوداستنادی نویسندگان تعلق دارند که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد (۹). در پژوهشی دیگر دیمیتروف (۱۹۹۵)، ۱۰۵۸ مقاله را برای تعیین نرخ خوداستنادی در حوزه علوم کتابداری بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که ۵۰ درصد مقاله‌ها، حداقل دارای یک خوداستنادی است (۱۵). در مطالعه‌ای دیگر داورپناه و عامل (۲۰۰۹) رفتار خوداستنادی نویسندگان در چهار رشته مهندسی الکترونیک، پزشکی عمومی و داخلی، شیمی آلی و علوم گیاهی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد مقالات در ادبیات چهار رشته موجود حداقل یک خوداستنادی دارند، که با نتایج پژوهش حاضر از این نظر همخوانی ندارد که میزان خوداستنادی در حوزه تربیت بدنی تقریباً نصف این مقدار است (۱۴). از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های مختلف گویای این مطلب است که میزان خوداستنادی در حوزه‌های مختلف مطالعاتی متفاوت است. پژوهش‌های یلپانی و حیدری (۱۳۸۶)، جوکار و ابراهیمی (۱۳۸۶)، و اکسنس (۲۰۰۳) نیز این را تأیید می‌کند. آنها معتقدند خوداستنادی تحت تأثیر عوامل موضوعی قرار دارد (۱۰،۸). طباطبایی در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت خوداستنادی مقاله‌های پژوهشگران ایرانی در پایگاه استنادی Web of Science در سال ۲۰۰۳ پرداخت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که پژوهشگران ایرانی در حوزه شیمی با میزان ۵۶/۸ درصد خوداستنادی، بیشترین میزان استناد به آثار پیشین و پژوهشگران رشته‌های کشاورزی با ۲۱/۷ درصد خوداستنادی، کمترین میزان استناد به آثار پیشین خود را داشته‌اند. نتایج این پژوهش صرف‌نظر از نمونه آماری نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی در دو نشریه پژوهشی و با سابقه حوزه تربیت بدنی به‌طور میانگین ۲۷ درصد است که نزدیک به حوزه کشاورزی است و تفاوت زیادی با رشته شیمی دارد (۵). همچنین رودابه ترابیان و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای در حوزه مجلات علوم پزشکی دریافتند میزان خوداستنادی در این مجلات ۲۸ درصد است که از این نظر به نتایج این پژوهش بسیار نزدیک است (۲۷). بریس برت و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که در مجلات روان‌شناسی میزان خوداستنادی ۱۰ درصد است که نصف نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش است (۱۲). هایلند (۲۰۰۳) نیز در بررسی خود از ۲۴۰ مقاله تألیفی و ۸۰۰ چکیده در هشت رشته موضوعی دریافت که خوداستنادی در رشته‌های علوم سخت مانند زیست‌شناسی، فیزیک و مهندسی مکانیک، بیشتر از رشته‌های علوم نرم مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رخ می‌دهد. به نظر وی، دلیل میزان خوداستنادی بالا در علوم سخت، تمایل برای پیگیری پیشرفت خطی دانش است، به‌نحوی که ارجاع‌ها در این رشته‌ها به سمت مرزهای ثابت موضوع تحت مطالعه در جریان هستند، حال آنکه

مقاله‌های پژوهشی علوم اجتماعی و علوم انسانی نوعاً دارای پراکندگی فراوانی تاریخی و موضوعی‌اند، از این‌رو در این حوزه‌ها فرصت برای خوداستنادی نسبت به علوم سخت به‌طور نسبی کمتر است (۲۰). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان خوداستنادی روند صعودی یا نزولی منظمی در سال‌های مورد مطالعه نداشته است، که صرف‌نظر از زمان پژوهش با نتایج پژوهش بیگلو (۲۰۰۶) که ۴۳۲ نشریه آلمانی را که در سال ۲۰۰۰ و ۴۲۷ نشریه دیگر را که در سال ۲۰۰۵ در «گزارش‌های استنادی نشریه‌ها» فهرست شده بودند، مورد تحلیل استنادی قرار داد، همسو نیست. بر این اساس یافته‌های پژوهش مذکور افزایش ۲۲/۴۵ درصدی خوداستنادی را در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد. همچنین بیگلو دریافت که متوسط میزان خوداستنادی در مجله‌های ایرانی بین سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ میلادی افزایش داشته است، در صورتی که در این فاصله زمانی در مجلات کشور ترکیه این شاخص کاهش داشته است، البته این نتایج با نتایج این پژوهش همسو نیست (۱۱). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین میزان خوداستنادی به تفکیک نوع مدرک در هر دو نشریه استناد به مقالات نشریه‌های علمی-پژوهشی و سپس کتاب است. همچنین کمترین میزان خوداستنادی در هر دو نشریه مربوط به استناد به جزوه درسی است. در پژوهش‌های تحلیل استنادی بیشترین تمرکز روی میزان استناد تحقیق بوده است، اما درباره نوع مدرک خوداستنادی تحقیق کمتری صورت گرفته است. در عین حال برخی مطالعات حاکی است بیشترین خوداستنادی مربوط به مقالات نشریات علمی-پژوهشی است و کتاب در درجه دوم اهمیت قرار دارد که از این نظر با پژوهش حاضر همسوست. نتایج تحقیق حاضر و مطالعات قبلی نشان می‌دهد که خوداستنادی برای مجلات طبیعی است (۲۱). مؤسسه اطلاعات علمی این مسئله را در گزینش مجلات رعایت می‌کند، اما اگر نرخ خوداستنادی بالاتر از مقدار متعارف (مساوی یا کوچک‌تر ۲۰ درصد) باشد، بررسی انجام می‌گیرد. اما اگر خوداستنادی سبب افزایش مصنوعی ضریب تأثیر شود، نشریه مشمول دریافت ضریب تأثیر نمی‌گردد و در نتیجه از مجموعه فهرست ISI خارج می‌شود (۲۱).

به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد کاهش میزان خوداستنادی (مؤلف و نشریه) می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای رتبه مجلات و کسب ضریب تأثیر حقیقی ایفا کند. با توجه به شیوع گسترده خوداستنادی از سوی نویسندگان ایرانی که رتبه دوم را در جهان داراست، و این پدیده از نظر متخصصان علم‌سنجی بین‌المللی امری مذموم تلقی می‌شود (۷)، پیشنهاد می‌شود مدیران نشریات در گزینش مقالات آستانه خوداستنادی را مدنظر قرار دهند. به‌نظر می‌رسد پژوهشی تطبیقی خوداستنادی رشته‌های تربیت بدنی

و علوم ورزشی با دیگر رشته ها و نیز در سایر نشریات تخصصی علمی ورزشی و جنبه های چون خوداستنادی نشریه، موضوعی و سازمانی می تواند گام ارزنده ای در علم سنجی تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور محسوب شود.

## منابع و مآخذ

۱. سلطانی، شیفته. (۱۳۷۷). "آشنایی با مجلات کتابداری ایران". فصلنامه کتاب، دوره ۹، شماره ۱، صص ۸۷-۶۵.
۲. شهریار، پرویز. (۱۳۸۵). "تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علوم اطلاع رسانی". فصلنامه کتاب، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۱۰۲-۸۹.
۳. شهریار، پرویز و افقی، اسماعیل. (۱۳۸۶). "خوداستنادی در مجلات علوم اطلاع رسانی و فصلنامه کتاب (۱۳۷۴-۱۳۸۳)". فصلنامه کتاب، دوره ۷۲، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۲۵.
۴. فروزانی، نوشین. (۱۳۸۲). "تحلیل استنادی پایان نامه های کارشناسی ارشد رشته مهندسی معدن دانشکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰-۱۳۷۹". کتابداری، شماره ۴۰، صص ۱۲۲-۱۰۳.
۵. کوشا، کیوان و طباطبایی، یوسف. (۱۳۸۸). "خوداستنادی و کاربرد آن در مطالعات علم سنجی". رهیافت، شماره ۲۵، صص ۴۴-۲۹.
۶. مردانی، امیرحسین و نیک کار، ملیحه. (۱۳۸۸). "بررسی خوداستنادی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در نشریه های «نامه علوم اجتماعی» و «پژوهش های جغرافیایی» طی سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶". پیام کتابخانه، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۴۹.
۷. موسوی، میرفضل الله. (۱۳۸۳). "رتبه بندی تولید علم در ۵۰ کشور اول جهان". نشریه رهیافت، شماره ۳۲، صص ۵۷-۳۷.
۸. نوکریزی، محسن و فرخاری، فاطمه. (۱۳۹۰). "مقایسه وضعیت مقاله های علمی ایرانی نمایه شده در نمای G استنادی علوم ایران و وب ساینس با تأکید بر میزان خوداستنادی آنها". نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال چهل و چهارم، شماره ۵۴، صص ۱۴۵-۱۲۱.
9. Aksnes, D. W. (2003). "A macro study of self-citation in scientific literature". *Journal of Documentation*, 33, pp: 251-265.
10. Aksnes, D. W. (2003). "A macro study of self-citation". *Scientometrics*, 56(2), pp: 235-246.

11. Biglu, M. H. (2006). "The impact factor and self-citation trend of German journals indexed in the JCR (2000-2005)". *E-prints in Library & Information Science*, 2(2), pp: 143-156.
12. Brysbaert, M., Smyth, S. (2011). "Self-enhancement in scientific research: The self-citation bias". *Psychologica Belgica Journal*, 51(2), pp: 129-137.
13. Callahan, M. (2002). "Journal prestige, publication bias, and other characteristics associated with citation of published studies peer review journals". *The Journal of the American Medical Association (JAMA)*, 287(21), pp: 2847-2850.
14. Davarpanah, M. R., Amal, F. (2009). "Author self-citation pattern in science". *Library Review*, 54(4), PP: 301-309.
15. Dimitroff, A., Arlistsch, K. (1995). "Self-citations in the library and information science literature". *Journal of Documentation*, 51(1), p: 4456.
16. Gami, A. S., Montori, V. M., Wilczynski, N. L., Haynes, R. B. (2004). "Author self-citations in the diabetes literature". *Canadian Medical Association Journal*, 170(13), pp: 1925-1927.
17. Garfield, E. (1962). "Can citation indexing be automated?" *Essay of an Information Scientist*, 1, pp: 84-90.
18. Glanzel, W., Thijs, B. (2004). "Does co-authorship inflate the share of self-citation?" *Scientometrics*, 61(3), pp: 395-404.
19. Hendrix, D. (2009). "Institutional self-citation rates: A three year study of universities in the united states". *Scientometrics*, 81(2), pp: 321-331.
20. Hyland, K. (2003). "Self-citation and self-reference credibility and promotion in academic publication". *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54(3), pp: 251-259.
21. Kovacic, N., Misak, A. (2004). "Author self-citation in medical literature". *Canadian Medical Association Journal*, 170(13), pp: 1929-30.
22. Mac Roberts, M. H., Mac Roberts, B. R. (1989). "Problems of citation analysis: A critical review". *Journal of the American Society for Information Science*, 40(5), pp: 342-349.
23. McVeigh, M. E. (2002). "A citation study from Thomson Corporation". *Journal Self-Citation in the Journal Citation Reports, Science Edition*, 10,

pp: 5-127.

24. Muskhelish Vili, N. L., Oganyan, E. A., Shreider, Y. (1987). "Analysis of self-citation as a method of research into the shaping of authors scientific and philosophical concepts". (Russian). Scientific and Technical Information Processing, 2(12), pp: 10-15.
25. Schreiber, M. (2007). "Self-citation corrections for the Hirsch index". EPL, 78(3), p: 6.
26. Tiew, W. S. (2000). "Characteristics of self-citations in Journal of Natural Rubber Research 1988-1997: A ten-year bibliometric study". Malaysian Journal of Library & Information Science, 5(1), pp: 95-104.
27. Torabian, R., Heidari, A. (2012). "The relation between self-citation and impact factor in medical science open access journal in ISI & DOAJ databases". Life Science Journal, 9(4), pp: 2206-2209.

